

"تجهيزات نظامی زیبا"¹ خاورمیانه را نجات نخواهد داد

برخلاف سعودی ها، ایران به دنبال یک راه حل سیاسی در سوریه و عراق است. آیا نباید به صلح یک شانس دیگر بدهیم؟

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

تهران - در حالی که آقای ترامپ پس از امضای یک قرارداد تاریخی تسلیحاتی، میهمان قصرهای خانواده سلطنتی سعودی بود، مردم ایران نتیجه یک انتخابات واقعی و چالشی را جشن می گرفتند. انتخابات عزم رای دهندگان ایرانی برای ادامه مسیر میانه روی و تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل را نشان داد - مسیری که توافق هسته ای 2015 را میسر نمود.

اگر کارایی روش های قبلی ملاکی برای موفقیت در آینده باشد، 110 میلیارد دلار دیگر برای سلاح، نه "بار هزینه های اضافی را از دوش واشنگتن برخواهد داشت" و نه "به امنیت دراز مدت عربستان" - - آنگونه که وزارت امور خارجه آمریکا ادعا می کند -- کمکی خواهد کرد. آخرین باری که سعودی ها چنین مبلغ هنگفتی را هزینه کردند، بیش از 70 میلیارد دلار به صدام حسین برای تسلیح وی در تجاوز به ایران در دهه هشتاد میلادی پرداخت کردند: ولی بنید نتیجه این کار برای دنیا و خود آنها چه بود.

بنابراین در خوشبینانه ترین حالت، آقای ترامپ مشغول اخاذی و دوشیدن همسایگان سعودی ماست، آن هم از پولی که در واقع قادر به پرداخت آن نیستند. در بدبینانه ترین حالت هم، وی آمریکا را به مزدور سعودی ها در خاورمیانه تبدیل خواهد کرد - زشتی این حالت زمانی مشخص تر می شود که بدانیم 15 نفر از هواپیماربایان یازده سپتامبر از اتباع سعودی بوده اند. آنگونه که از سرکوب مردم در عربستان درست قبل از سفر آقای ترامپ و همینطور حمله مرگبار رژیم بحرین به اعتراض مردمی در این کشور بلافاصله بعد از این سفر مشخص می شود، حکام مستبد منطقه این حس را پیدا کرده اند که یک چک سفید امضا گرفته اند تا تمامی اعتراضات مسالمت آمیز باقیمانده را سرکوب نمایند.

به عبارت دیگر، اتفاقات بسیاری بدی در این بخش از جهان در حال رخ دادن است.

¹ نقل قول از ترامپ در عربستان

برای جلوگیری از گسترش بیشتر مصیبت تروریسم و افراطی گری خشونت بار، رهبران مسئول در پایتخت های منطقه و سایر کشورهای جهان باید به فوریت اقدام کنند و گام های جدی برای مقابله با این خطرهای فوری بردارند. صرف نظر از رقص های شمشیر و مهمانی های تشریفاتی، تضادهای بنیادینی در منطقه وجود دارد که باید به آنها رسیدگی کرد.

در یمن، عربستان سعودی به شبه نظامیان حوثی حمله می کند که خود را بعنوان تواناترین نیروی مقابله با القاعده شبه جزیره عربستان (AQAP)، مرگبارترین گروه شبکه جهانی تروریسم در حال حاضر، به اثبات رسانده است. پشتیبانان غربی ائتلاف تحت رهبری سعودی، انگیزه خود را حمایت از "دموکراسی" می خوانند، در حالی که همین مفهوم هم در ریاض و هم در نزد سایر متحدان عرب آمریکا طرفداران اندکی دارد.

تراژدی یمن متأسفانه در سوریه نیز تکرار می شود. در آنجا هم نیروهایی که در خطوط مقدم مبارزه با افراط گرایان وهابی هستند، همزمان با سیاست ضد تروریسم کشورها غربی هم تهدید می شوند؛ سیاستی که اغلب بصورت سلیقه ای دوستان و دشمنانش را انتخاب می کند.

بگذارید واضح تر بگویم: آنچه آقای ترامپ "انبوه تجهیزات نظامی زیبا" خواند، مردابی را که گنداب تروریسم و افراطی گری ستیزه جویانه ایجاد کرده اند، تخلیه نخواهد کرد. نه "زنجیرهای طلا" و نه "گوی های درخشان" یک راه حل جادویی برای چالش های اجتماعی- اقتصادی و سیاسی که منشا افراط گرایی هستند، ارائه نمی کنند. چیزی که موثر خواهد بود تلاشی واقعی برای ایجاد تعاملی فراگیر میان قدرت های منطقه ای مبتنی بر یک سیاست همزیستی و پذیرش بی ثمر بودن راه حل های نظامی است.

در حالی که عربستان سعودی میلیون ها بصورت بی حساب هزینه ترویج ایران هراسی می کند تا اذهان را از صادرات جهانی خود یعنی وهابیت - که ایدئولوژی افراطی القاعده، داعش و هر گروه تروریستی ویرانگر دیگری از کراچی تا منچستر است - منحرف سازد، ایران به قربانیان افراط گرایی

در عراق و سوریه کمک می کند. ایران ضمن کمک به حفظ بغداد و دمشق از تصرف داعش، فعالانه از راه حل سیاسی برای بحران های هر دو کشور حمایت کرده است.

در سال 2013، ایران پیشنهاد یک آتش بس فوری و یک طرح برای پایان دادن به جنگ در سوریه ارائه داد. برای بیش از دو سال، عربستان سعودی این واقعیت را که درگیری در سوریه راه حل نظامی ندارد رد می کرد، آن هم با این توهم که با کشاندن آمریکا به جنگ، دست نشانندگان افراطی اش به پیروزی در میدان جنگ دست خواهند یافت. پس از قربانی شدن جان های بی شمار، بالاخره در سال 2015 طرح ما درباره سوریه مبنای قطعنامه 2254 شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

به تازگی، ابتکار گفت و گویی که توسط ایران، ترکیه و روسیه برقرار شد، هرچند هنوز ایده آل نیست، توانست یک سازوکار موثر کاهش تنش ها شود. دیپلماسی دوسیمیره در قبال سوریه، که در آن منازعه کاهش یافته و تلاش های ضد گسترش می یابند، یک فرمول معتبر برای حل تعارضات دیگر منطقه نیز، فراهم می کند.

در یمن، از همان روزهای اول از شروع خصومت ها در بیش از دو سال پیش، ایران یک طرح چهار ماده ای برای پایان دادن به جنگی ارائه داد که عربستان سعودی با احساس غرور کاذب از یک پیروزی دوهفته ای در آن دم می زد. پیشنهاد ایران شامل تضمین آتش بس فوری، ارسال فوری کمک های انسان دوستانه، حمایت از گفتگو بین گروه های یمن و کمک به یمنی ها برای ایجاد یک دولت فراگیر وحدت ملی با حمایت از همسایگان بود.

با هفت میلیون یمنی در آستانه قحطی ناشی از اقدامات بشری قرار دارند، و تقریباً نیمی از جمعیت سوریه که آواره شده اند، بحران بیش از آن فوری است که بخواهیم با انگشت سرزنش به سایرین وقت را تلف کنیم. در عوض و برای یافتن یک راه حل پایای بلندمدت برای خاتمه دادن به این بلایا، قدرت های منطقه ای باید عوامل موثری را که مشوق افراطی گری ستیزه جویانه است تشخیص دهند و به آن بپردازند.

در این راستا، ایالات متحده و متحدان آن امروز دو انتخاب دارند. آنها می توانند به حمایت مادی و

معنوی خود و تشویق عاملان جنگ به تشدید تلاشهای جنگی شان ادامه دهند که بی نتیجه بودن آن ثابت شده و مرگ و نابودی بیشتری را به ارمان می آورد و دستیابی به یک راه حل پایدار را پیچیده تر می کند. یا، همانند آنچه ایران از روز اول گفته است، این دولت ها بر ایجاد یک راه حل سیاسی فراگیر با مشارکت همه گروه های سیاسی درگیر تمرکز کنند.

در سال 1990، زمانی که من یک دیپلمات جوان بودم، شاهد بودم که چگونه در دوران پس از تصمیم صدام حسین برای تجاوز به کویت و قربانی کردن حامیان مالی عرب خود، وزرای خارجه عربستان و متحدان عرب آن در پاسخ به پیشنهاد همتای ایرانی شان برای پایه ریزی یک سازوکار فراگیر برای امنیت منطقه مخالفت کردند. بعد از هدر دادن صدها میلیارد دلار برای خرید سلاح و پس از سالها خونریزی بی حد و حساب، ما به خانه اول بازگشته ایم.

اگر ما این چرخه را نشکنیم، این وظیفه خطیر را تنها برای فرزندان و نوادگان خود به جا خواهیم گذاشت. ما باید نسلی باشیم که از تاریخ یاد می گیرد و نه نسلی که محکوم به تکرار آن است.